



Legal Analysis of the Role of the State in Providing Moral Support to Victims of Economic Crimes with a Focus on Islamic Jurisprudence

Amir Mohammad Faqani Sorkhkolae^{1*}

1. Department of Juvenile Criminal Law, University of Judicial Sciences and Justice Services, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:153-170

Article history:

Received: 27 Mar 2025

Edition: 25 Apr 2025

Accepted:27 May 2025

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

Moral Compensation, Moral Support, Victims of Economic Crimes, Role of the State.

Corresponding Author:

Amir Mohammad Faqani Sorkhkolae

Address:

Iran, Tehran, University of Judicial Sciences and Justice Services, Department of Juvenile Criminal Law.

Orchid Code:

0009-0000-8265-0362

Tel:

09904740168

Email:

Amirmamad.faghani@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: This research examines the role of the state in providing moral support to victims of economic crimes with an emphasis on Islamic jurisprudence. The aim of this study is to analyze the dimensions of state moral support for victims of economic crimes in Islamic law.

Materials and Methods: This study is theoretical in nature, and the research method is descriptive-analytical, with information gathered through library-based research.

Ethical Considerations: The research adheres to the principles of integrity, honesty, impartiality, and originality.

Findings: The findings indicate that the state must design measures to address the psychological and emotional harm suffered by victims. State moral support in Islamic jurisprudence is based on the principles of social justice and human rights.

Conclusion: The Islamic state must design and implement comprehensive and effective supportive policies, considering the foundations of Islamic law, particularly liability rules and the theory of justice, in order to effectively prevent the psychological and emotional harm of victims of economic crimes. These actions should aim at achieving social justice and improving the mental and emotional well-being of victims. Ultimately, enhancing moral support for the victims of these crimes will not only compensate for material damages but also contribute to rebuilding social trust and strengthening justice in society.

Cite this article as:

Faqani Sorkhkolae, A-M. *Legal Analysis of the Role of the State in Providing Moral Support to Victims of Economic Crimes with a Focus on Islamic Jurisprudence*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



واکاوی حقوقی نقش دولت در حمایت معنوی از قربانیان جرایم اقتصادی با رویکردی بر فقه

امیرمحمد فغانی سرخکلائی

۱. گروه حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، دانشگاه علوم قضائی و خدمات دادگستری، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: این تحقیق به بررسی نقش دولت در حمایت معنوی از قربانیان جرایم اقتصادی با رویکرد فقهی پرداخته است. هدف از این تحقیق تحلیل ابعاد حمایت‌های معنوی دولت از قربانیان جرایم اقتصادی در فقه اسلامی است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهند که دولت باید تدابیری را برای جبران آسیب‌های روحی و روانی قربانیان طراحی کند. حمایت معنوی دولت در فقه اسلامی بر اساس اصول عدالت اجتماعی و حقوق بشر استوار است.

نتیجه: دولت اسلامی باید با توجه به مبانی فقهی و حقوقی، به‌ویژه قواعد ضمان آور و نظریه عدالت، سیاست‌های حمایتی جامع و مؤثری طراحی و اجرا کند تا به‌طور مؤثر از آسیب‌های روحی و روانی قربانیان جرایم اقتصادی جلوگیری کند. این اقدامات باید در راستای تحقق عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت روحی و روانی قربانیان صورت پذیرد. در نهایت، ارتقای حمایت‌های معنوی از قربانیان این جرایم نه‌تنها به جبران خسارات مادی بلکه به بازسازی اعتماد اجتماعی و تقویت عدالت در جامعه می‌انجامد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۳-۱۷۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

جبران خسارت معنوی، حمایت معنوی، قربانیان جرایم اقتصادی، نقش دولت.

نویسنده مسئول:

امیرمحمد فغانی سرخکلائی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه علوم قضائی و خدمات دادگستری، گروه حقوق کیفری اطفال و نوجوانان.

09904740168

کد ارکید:

0009-0000-8265-0362

پست الکترونیک:

Amirmamad.faghani@gmail.com

۱. مقدمه

اقتصادی در اختیار دارد و چگونه می‌توان این ظرفیت‌ها را در نظام حقوقی ایران نهادینه کرد؟

در همین راستا، فرضیه اصلی پژوهش چنین است: فقه امامیه با اتکای بر اصولی همچون قاعده لاضرر، قاعده من له الغنم فعلیه الغرم، و نظریه عدالت، ظرفیت‌هایی نظری و اجرایی برای تقویت حمایت معنوی از قربانیان جرایم اقتصادی در اختیار دولت اسلامی قرار می‌دهد.

هدف این پژوهش آن است که با تحلیل مبانی نظری و فقهی، و نقد وضعیت حقوقی موجود، زمینه‌سازی لازم برای بازنگری در سیاست گذاری‌های حمایتی و جبران خلأهای معنوی در حمایت از قربانیان جرایم اقتصادی را فراهم سازد.

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر، جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که حمایت معنوی از قربانیان جرایم اقتصادی، به‌ویژه در نظام اسلامی، باید در کنار حمایت‌های مادی و حقوقی مورد توجه قرار گیرد. تحلیل مبانی فقهی چون قواعد لاضرر، نفی عسر و حرج، و «لا یبطل حق امری مسلم» مؤید آن است که دولت موظف به مداخله در جبران آسیب‌های روانی و معنوی

در جهان معاصر، جرایم اقتصادی نه تنها به‌عنوان تهدیدی بنیادین برای ثبات و کارآمدی نظام‌های مالی و اجتماعی شناخته می‌شوند، بلکه پیامدهای گسترده‌ای برای آحاد جامعه، به‌ویژه قربانیان این جرایم، به همراه دارند. این قربانیان غالباً متحمل آسیب‌هایی چندبُعدی می‌شوند که علاوه بر خسارات مادی، شامل رنج‌های روانی، اجتماعی و معنوی نیز می‌گردد. در این میان، حمایت دولت‌ها از قربانیان جرایم اقتصادی، به‌ویژه در بعد معنوی، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است؛ چراکه فقدان چنین حمایتی می‌تواند به فرسایش سرمایه اجتماعی، افزایش احساس بی‌عدالتی و تضعیف اعتماد عمومی منجر شود.

پژوهش حاضر با عنوان «واکاوی حقوقی نقش دولت در حمایت معنوی از قربانیان جرایم اقتصادی با رویکردی بر فقه» در پی آن است تا با رویکردی تطبیقی و تحلیلی، تکالیف دولت اسلامی را نسبت به قربانیان این جرایم تبیین و بازخوانی نماید. بررسی از تحلیل مفاهیم کلیدی قربانی، جرایم اقتصادی و ابعاد مختلف حمایت آغاز شده و با تمرکز بر یکی از مغفول‌ترین وجوه حمایت یعنی حمایت معنوی، به آسیب‌شناسی ساختارهای موجود در ایران می‌پردازد.

نوآوری پژوهش در تلفیق مبانی فقهی از جمله قواعد ضمان‌آور، نظریه عدالت، و اصل مظلوم‌گرایی با مفاهیم حقوق عمومی است تا از این رهگذر، مدلی برای حمایت معنوی دولت از قربانیان ارائه شود.

سؤال اصلی تحقیق این است: دولت اسلامی با تکیه بر آموزه‌های فقهی چه مسئولیت‌ها و راهکارهایی برای حمایت معنوی از قربانیان جرایم

اقتصادی از منظر عامل، نوع فعالیت و انگیزه مرتکب می‌پردازیم:

الف) مبتنی بر عامل اقتصادی

تعریف جامع و واحدی از «جرم اقتصادی» در حقوق کیفری وجود ندارد و در برخی کشورها تنها با ذکر مصادیق، مفهوم آن تبیین شده است. برای مثال، قانون اردن جرایم اقتصادی را به جرایمی نسبت می‌دهد که به اموال عمومی آسیب می‌زنند و اعتماد عمومی را نسبت به اقتصاد ملی مختل می‌کنند. این تعریف بیشتر به شناسایی ملاک‌های کلی جرم اقتصادی پرداخته است، نه ماهیت دقیق آن (زراعت، ۱۳۹۱، ۵۶)

ب) مبتنی بر نوع فعالیت

جرایم اقتصادی با توجه به ماهیت و شیوه ارتکاب، به دو دسته کلی قابل تفکیک‌اند:

۱. جرایم یقه‌سفید: این دسته از جرایم معمولاً توسط افراد دارای جایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا، از جمله مدیران، صاحبان کسب‌وکار و مسئولان سازمان‌های اقتصادی، با بهره‌گیری از موقعیت شغلی و دسترسی به اطلاعات محرمانه به منظور تحصیل منافع نامشروع ارتکاب می‌یابد. نمونه بارز آن، امتناع عامدانه از پرداخت مالیات‌های قانونی است. (مروتی و همکاران، ۱۴۰۰، ۸۴)

۲. جرایم سازمان‌یافته اقتصادی: این نوع جرایم به صورت گروهی و سازمان‌یافته، با بهره‌گیری از ساختارهای پیچیده و شبکه‌ای و با هدف تحصیل منابع مالی و اموال عمومی از طرق غیرقانونی انجام می‌شود. این جرایم به دلیل ماهیت ساختاریافته خود، از پیچیدگی خاصی در شناسایی و تعقیب برخوردارند. (همان، ۸۴)

است. همچنین، خلأهای موجود در نظام حقوقی ایران نشان از ضرورت تدوین سیاست‌های حمایتی جامع، به‌ویژه در حوزه معنوی، دارد تا بتوان به عدالت اجتماعی واقعی دست یافت.

۵. بحث

مبانی نظری به‌عنوان زیربنای مفهومی پژوهش حاضر، چارچوبی فراهم می‌سازد تا مفاهیم کلیدی با نگاهی دقیق‌تر و عمیق‌تر مورد بررسی قرار گیرند. این مبانی عبارتند از:

۵-۱. قربانی

از آغاز شکل‌گیری نظام‌های کیفری، قربانیان به‌طور مستقل در قوانین کیفری مورد توجه ویژه قانون‌گذاران قرار نگرفته‌اند؛ مسئله‌ای که آن‌ها را در فرآیند دادرسی در جایگاهی ضعیف و بعضاً نادیده قرار داده است. در بسیاری از موارد، شناسایی قربانیان دشوار یا حتی غیرممکن است. برای نمونه، قربانیان جرایم جنسیتی، اغلب به دلیل نگرانی از لطمه به آبرو و حیثیت، تمایلی به شکایت از مرتکبان ندارند؛ و این خود موجب عدم رسیدگی به رفتار مجرمانه می‌گردد. به‌طور کلی، هرگاه رنج، سختی و زیان ناشی از یک رفتار مجرمانه متوجه فردی گردد، آن فرد را قربانی یا بزه‌دیده جرم می‌نامند (رایجیان، ۱۳۸۷، ۳۱۵). بر همین مبنا، بزه‌دیده کسی است که در نتیجه وقوع جرم، دچار آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی، یا لطمه‌ای جدی به حقوق بنیادین خود می‌شود (همان، ۱۶).

۵-۲. جرایم اقتصادی

جرایم اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام‌های حقوقی و اقتصادی، نیازمند تبیین دقیق و دسته‌بندی منسجم است. در ادامه، با رویکردی تحلیلی به بررسی انواع جرایم

پ) مبتنی بر انگیزه مرتکب

در برخی رویکردها، جرایم اقتصادی بر اساس انگیزه‌های مادی مرتکب تعریف می‌شوند، مانند بهره‌برداری غیرمجاز از منابع، رشوه‌ستانی، و استفاده از رانت‌های اقتصادی و سیاسی برای دستیابی به اهداف نامشروع (عشماوی، ۱۳۸۶، ۵۶؛ زمانی، ۱۳۸۸، ۴۳)

۵-۳. مصادیق جرایم اقتصادی

جرایم اقتصادی از نظر ماهیت، گستره و آثار، ماهیتی پیچیده و چندوجهی دارند. این جرایم گاه در زمره‌ی جرایم علیه اموال، گاه در قالب جرایم علیه امنیت ملی، گاه تحت عنوان جرایم علیه آسایش عمومی، و در مواردی نیز به‌عنوان جرایم علیه سلامت، دولت یا نظام اقتصادی کشور قابل تحلیل‌اند. برخی از مهم‌ترین مصادیق شناخته شده‌ی جرایم اقتصادی به شرح زیر است (ولیدی، ۱۳۸۶، ۳۰):

- قاچاق کالا و ارز
- پول‌شویی
- احتکار
- ربا و رباخواری
- رشا و ارتشاء
- اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور
- اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی
- اخلال در نظام تولیدی کشور
- قاچاق میراث فرهنگی و ثروت ملی
- تشکیل شرکت‌های مضاربه‌ای صوری
- اخلال در نظام صادراتی کشور
- تشکیل یا عضویت در شرکت‌های هرمی
- جرایم مالیاتی
- جرایم مربوط به بازار اوراق بهادار و بورس

۵-۴. اهداف و انواع حمایت از قربانیان**جرایم اقتصادی**

اهداف حمایت از قربانیان جرایم اقتصادی در راستای تحقق عدالت، بازسازی اعتماد اجتماعی و کاهش تبعات فردی و جمعی این جرایم شکل می‌گیرد. این اهداف شامل جبران خسارات وارده، ارتقای احساس امنیت، بازتوانی روانی و اجتماعی قربانیان، و همچنین جلوگیری از آسیب‌های ثانویه می‌باشد. در ادامه، این اهداف به تفصیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۵-۴-۱. اهداف حمایت از قربانیان**جرایم اقتصادی**

در منظومه عدالت کیفری، حمایت از قربانیان جرایم اقتصادی تنها اقدامی تکمیلی در راستای مجازات مجرم نیست، بلکه خود هدفی بنیادین در نظام حقوق کیفری معاصر به شمار می‌آید؛ هدفی که در دو سویه‌ی مکمل تعریف می‌شود: نخست، مسئولیت بزهکار در جبران خسارت وارد شده به بزه‌دیده و دوم، مسئولیت دولت در حمایت از بازسازی موقعیت آسیب‌دیدگان و پیشگیری از پیامدهای ثانوی جرم (زکی، ۲۰۰۴، ۱۹۷). نظام‌های حقوقی پیشرو، اهداف حمایت از بزه‌دیدگان جرایم اقتصادی را در چارچوبی چندوجهی می‌نگرند. این اهداف عبارت‌اند از:

۱. بازگرداندن قربانی به وضعیت پیش از بزه‌دیدگی از طریق جبران مادی و معنوی آسیب‌ها؛
۲. پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد با ارتقاء سطح حمایت‌های قانونی و اجتماعی؛

الف) حمایت حقوقی

حمایت حقوقی دولت از قربانیان جرایم اقتصادی به مجموعه سازوکارها و فرآیندهای قانونی اطلاق می‌شود که با هدف تضمین حقوق قانونی بزه‌دیدگان در چارچوب نظام عدالت کیفری و مدنی فراهم می‌گردد. این حمایت‌ها شامل تضمین دسترسی به مشاور حقوقی و وکیل، امکان طرح دعوی و مطالبه خسارات وارده، معافیت از پرداخت هزینه‌های دادرسی و تسهیل فرآیندهای تحقیق و رسیدگی به دعاوی مربوط به جرایم اقتصادی است. اهمیت این حمایت‌ها به‌ویژه در مرحله دادرسی کیفری برجسته می‌شود، چرا که دولت مسئول است با پیش‌بینی تدابیر و مقررات لازم، زمینه‌های احقاق حقوق قربانیان را فراهم و از تضییع آن جلوگیری نماید. بر اساس تحلیل‌های موجود، اتخاذ رویکردی جامع و منسجم در قوانین آیین دادرسی کیفری و مدنی برای حمایت مؤثر از قربانیان، از الزامات مقابله با پیامدهای زیان‌بار جرایم اقتصادی و تقویت اعتماد عمومی به دستگاه قضایی است (غلامیان و یعقوبی، ۱۴۰۰: ۴۶)

ب) حمایت مادی

حمایت مادی از بزه‌دیدگان جرایم اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست کیفری حمایتی دولت‌ها محسوب می‌شود که بر جبران خسارت‌های مالی و ارتقاء وضعیت معیشتی آسیب‌دیدگان تمرکز دارد. این حمایت ناظر بر تأمین منابع و تسهیلات مالی است که در جهت کاهش تبعات اقتصادی جرم بر زندگی بزه‌دیده صورت می‌گیرد و می‌تواند از طرق مختلفی اعمال شود. از جمله مهم‌ترین مصادیق این حمایت، جبران خسارت مالی است که به صورت بازپرداخت اموال از دست رفته یا

۳. جلوگیری از چرخه‌ی انتقام‌گیری خصوصی که ممکن است خود به بزهکاری منتهی شود؛

۴. ممانعت از تبدیل قربانی به بزهکار از طریق مراقبت‌های روانی و اجتماعی؛

۵. کاهش «رقم سیاه» بزهکاری از رهگذر اعتمادسازی و تشویق بزه‌دیدگان به گزارش‌دهی؛

۶. ترغیب به رعایت توصیه‌های پیشگیرانه و بهره‌گیری از تدابیر وضعی.

گرچه ایده‌ی جبران خسارت قربانیان توسط دولت، ریشه‌ای کهن دارد و می‌توان آن را در مواد ۲۳ و ۲۴ قانون‌نامه‌ی حمورابی (سراس، ۱۹۹۳، ج ۲، ۹۰) و همچنین قوانین تمدن هیتی‌ها مشاهده کرد (والتری، ۱۳۸۲، ج ۲، ۲۷۹)، اما این اندیشه با ظهور مکاتب تحقیقی و دفاع اجتماعی بار دیگر در منظومه عدالت کیفری احیا شد (پرادل، ۱۳۸۱، ۱۴۲؛ لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹، ۷۵). با رشد بزه‌دیده‌شناسی ثانویه، که بدون توجه به نقش بزه‌دیده در وقوع جرم، اصل را بر حمایت از وی می‌نهد، گفتمان حمایت از قربانی به جایگاه ویژه‌ای دست یافت.

۵-۴-۲. انواع حمایت دولت از قربانیان

جرایم اقتصادی

انواع حمایت دولت از قربانیان جرایم اقتصادی، بیانگر رویکردی چندبعدی برای کاهش آسیب‌ها و بازگرداندن قربانیان به وضعیت پیش از وقوع جرم است. این حمایت‌ها را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

تبدیل آن‌ها به بزهکاران جدید طراحی شده‌اند. (همان، ۱۵۰)

د) حمایت معنوی

در نظام‌های نوین عدالت کیفری، حمایت از بزه‌دیدگان به‌عنوان یکی از اهداف بنیادین سیاست جنایی، صرفاً به ابعاد مالی و مادی محدود نمی‌شود، بلکه شمول آن به حوزه‌های روانی و اجتماعی نیز از اهمیتی فزاینده برخوردار شده است. این اهمیت در خصوص قربانیان جرایم اقتصادی، به دلیل ماهیت پیچیده، پنهان و ویرانگر این جرایم، دوچندان است. فرد بزه‌دیده در این‌گونه جرایم، غالباً انسانی است که ضعف اقتصادی یا جایگاه اجتماعی وی، بستر بزه‌دیدگی را فراهم کرده و او را به انسانی آسیب‌پذیر تبدیل نموده است. (توجهی، ۱۳۷۸، ۳۵). نخستین و اساسی‌ترین نیاز قربانیان پس از وقوع جرم، تلاش برای تقلیل و تسکین پیامدهای روانی و عاطفی واردشده به آنان است. حالت روانی بزه‌دیدگان در پی وقوع جرم، معمولاً ناپایدار، افسرده، یا پرخاشگرانه است؛ که بسته به نوع بزه‌دیدگی، شدت و شکل متفاوتی پیدا می‌کند. حمایت‌های معنوی می‌بایست با دو هدف اساسی دنبال شود: نخست، جلوگیری از واکنش‌های خشونت‌آمیز، انتقام‌جویانه یا انحرافی قربانی در پی عدم احساس عدالت؛ دوم، پیشگیری از انزوای روانی، سرخوردگی اجتماعی و تکرار بزه‌دیدگی که ممکن است ناشی از عدم دریافت حمایت روانی و اجتماعی مناسب باشد. (همان، ۳۵).

با توجه به اینکه فقدان حمایت معنوی از قربانیان، آنان را در معرض آسیب‌های ثانویه و گاه جدی‌تری قرار می‌دهد، سیاست‌گذاری مؤثر در این حوزه ضرورتی غیرقابل انکار است. چنان‌که در

پرداخت وجه نقد برای جبران زیان‌های مستقیم و غیرمستقیم واردشده به قربانی تحقق می‌یابد. همچنین، پرداخت غرامت از سوی مرتکب یا در موارد خاص، توسط دولت، به عنوان اقدامی جبرانی برای بازگرداندن ثبات مالی به زندگی بزه‌دیده در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این، در مواردی که بزه‌دیدگان به دلیل ارتکاب جرم دچار آسیب‌های جسمی یا روانی شده‌اند، حمایت مادی می‌تواند شامل تأمین هزینه‌های درمان، بازتوانی و خدمات پزشکی یا روان‌پزشکی نیز باشد. (گیلوری، ۱۴۰۲: ۱۴۲)

پ) حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی از قربانیان جرایم اقتصادی به تدابیر دولت برای ادغام مجدد قربانیان در جامعه و پیشگیری از تبعات بلندمدت اجتماعی این جرایم اشاره دارد. این حمایت می‌تواند شامل:

توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی: کمک به قربانیان برای بازگشت به چرخه اقتصادی و اجتماعی و جلوگیری از آسیب‌های بیشتر.

آگاهی‌بخشی و آموزش عمومی: برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی برای افزایش سطح آگاهی عمومی درباره حقوق قربانیان و اقدامات پیشگیرانه.

پشتیبانی از قربانیان در معرض آسیب‌های اجتماعی: شناسایی قربانیان با خطرات بالای اجتماعی و فراهم آوردن حمایت‌های لازم برای آن‌ها، نظیر حمایت‌های مسکن، شغلی یا تحصیلی.

این حمایت‌ها در راستای بازسازی وضعیت اجتماعی و اقتصادی قربانیان و پیشگیری از

عادی ایفا می‌کند. از این‌رو، ابتدا به تعریف و ابعاد حمایت معنوی پرداخته و سپس به بررسی ضرورت مداخله دولت در این حوزه خواهیم پرداخت.

۵-۵-۱. تعریف و ابعاد حمایت معنوی

هر جرم، جدای از صدمات مالی یا فیزیکی، پیامدهایی روانی و احساسی بر قربانی خود برجای می‌گذارد؛ پیامدهایی که گاه در تاریک‌ترین زوایای روان او لانه می‌کنند و منشأ اختلالاتی می‌شوند که نه‌تنها کیفیت زندگی وی، بلکه موقعیت اجتماعی و کارکردهای روزمره‌اش را نیز مختل می‌سازند. در حوزه حقوق کیفری، این جنبه از آسیب که از آن به «درد و رنج عاطفی و حیثیتی» تعبیر می‌شود، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است (انوری، ۱۳۸۲، ۸۸۲). درد و رنج عاطفی، واکنش‌های روانی است که در پی ارتکاب جرم در بزه‌دیده پدید می‌آید. این واکنش‌ها ممکن است در قالب ترس، اضطراب، خشم، شرم، یا حتی انزوا و یأس بروز یابند. به‌ویژه در جرایم اقتصادی که بزه‌دیده متحمل زیان‌های سنگین مالی شده، احساس شکست، بی‌کفایتی، و فروپاشی حیثیت فردی و اجتماعی به شکلی فزاینده بروز می‌کند. در موارد حاد، این رنج عاطفی می‌تواند به اختلالات بالینی همچون افسردگی مزمن، اختلال استرس پس از سانحه، یا حتی افکار خودکشی منجر شود.

با این‌حال، تفاوت‌های فردی در واکنش‌های روانی و نیز نوسان شدت ضربه واردشده، مسیر ترمیم را برای هر بزه‌دیده متفاوت می‌سازد. همان‌طور که انوری تصریح می‌کند، درخصوص اشخاص حقوقی نمی‌توان از درد عاطفی سخن گفت، بلکه تعبیر مناسب‌تر، آسیب یا زیان حیثیتی است؛ یعنی

پژوهش‌ها آمده، در بسیاری موارد، بزه‌دیدگان فاقد یک تکیه‌گاه نهادی هستند که نه‌تنها خسارات مادی آنان را جبران کند، بلکه به احیای روانی، بازسازی اعتماد و حفظ شأن انسانی آنان نیز بپردازد. (عبدالفتاح، ۱۳۹۹، ۱۰۰)

به نظر نگارنده به‌درستی می‌توان گفت که تحلیل ارائه‌شده در این بخش، مبتنی بر مبانی نوین سیاست جنایی حمایتی و اصول کرامت‌محور حقوق کیفری است. تجربه‌های تطبیقی در نظام‌های پیشرفته، از جمله نظام عدالت کیفری نروژ، کانادا و هلند، نشان داده است که بی‌توجهی به ابعاد روانی و معنوی بزه‌دیدگان، نه‌تنها روند بازپروری قربانی را مختل می‌کند، بلکه خود به‌عنوان یک عامل تشدیدکننده بزه‌دیدگی ثانویه عمل می‌نماید. بنابراین، حمایت معنوی از بزه‌دیدگان جرایم اقتصادی - به‌ویژه در قالب خدمات روان‌شناسی، مشاوره معنوی، و بازتوانی اجتماعی - نه‌فقط توصیه‌ای اخلاقی، بلکه ضرورتی حقوقی و سیاست‌گذاری است که در اسناد بین‌المللی و تجربیات قضایی نیز ریشه دارد. از این‌رو، تأکید این متن بر اهمیت حمایت‌های غیرمادی، تحلیل کاملاً درستی است و با اصول پیشگیرانه عدالت کیفری و کرامت‌محوری در حمایت از بزه‌دیدگان همخوانی دارد.

۵-۵. حمایت معنوی دولت از قربانیان جرایم اقتصادی

در ادامه بحث، حمایت معنوی دولت از قربانیان جرایم اقتصادی به‌عنوان یکی از ابعاد کمتر ملموس اما بسیار مهم مورد توجه قرار می‌گیرد. این نوع حمایت، فراتر از جبران مادی خسارت، به نیازهای روانی، اجتماعی و حیثیتی قربانیان پرداخته و نقش مهمی در بازگشت آنان به زندگی

سازوکارهای حمایتی در قالب مشاوره، روان‌درمانی، بازپروری اجتماعی و مشارکت انجمن‌های تخصصی، گامی ضروری در تحقق سیاست جنایی مشارکتی و انسان‌محور است. همچنین باید افزود که شناسایی دقیق مصادیق "زیان معنوی" و "حیثیتی" و فراهم‌سازی بسترهای جبران آن‌ها، باید در قالب قوانین موضوعه به‌طور شفاف و عملیاتی لحاظ شود. در غیر این صورت، بخش مهمی از عدالت کیفری در سطح نظری باقی خواهد ماند.

۵-۲- ضرورت ورود دولت به حوزه

حمایت معنوی

در منظومه فکری فقه شیعه، کرامت انسانی در شمار اصول بنیادین و غیرقابل تعرض جای دارد. از همین رو، دولت اسلامی صرفاً نهاد اجرایی و کیفردهنده نیست، بلکه مسئول تأمین آرامش، عدالت و جبران خسارات وارده بر افراد جامعه است؛ خواه این خسارات مادی باشند یا معنوی. در این میان، قربانیان جرایم اقتصادی، افزون بر زیان‌های مالی، با لطمه‌های جدی به حیثیت، امنیت روانی و سلامت عاطفی خود مواجه‌اند. چنین شرایطی، مستلزم ورود فعال و مسئولانه دولت به عرصه حمایت‌های معنوی است.

در فقه امامیه، قاعده معروف «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» نه تنها به‌عنوان یک اصل کلی فقهی، بلکه به‌مثابه مبنایی برای تدوین سیاست‌های حمایتی شناخته می‌شود. مطابق این قاعده، هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند و شارع مقدس، بروز یا تداوم ضرر را نفی می‌کند. این قاعده، نه صرفاً در حوزه اموال، بلکه در عرصه آبرو، حیثیت، آرامش روانی و سایر جنبه‌های غیرمادی حیات انسانی نیز جریان دارد (نوری‌فر و

خداشه به اعتبار اجتماعی که از نگاه حقوقی و اقتصادی، سرمایه‌ای غیرقابل سنجش اما حیاتی به شمار می‌رود (همان، ۸۵). در پاسخ به این نوع آسیب‌ها، یکی از بنیادی‌ترین انواع حمایت، حمایت روان‌شناختی و عاطفی است. این حمایت معمولاً از سوی روان‌درمانگران، مشاوران، مددکاران اجتماعی، یا حتی سایر قربانیان که تجربه زیسته مشابهی داشته‌اند، ارائه می‌شود. به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، انجمن‌های بزه‌دیدگان با محوریت افرادی که خود قربانی بوده‌اند، شکل گرفته‌اند تا همدلی و تجربه شخصی را در خدمت ترمیم روانی دیگران قرار دهند (لیز، زرار و فینیزولا، ۱۳۷۹، ۱۳۰). همچنین سیاست‌گذاری جنایی باید راه را برای همکاری نظام‌مند بین روان‌شناسان و نهادهای پزشکی قانونی هموار سازد. این همکاری، ضمن تقویت بُعد انسان‌گرایی نظام عدالت کیفری، از تبدیل بزه‌دیده به متهم بالقوه جلوگیری کرده و اعتماد او را نسبت به نظام قضایی تقویت می‌کند. در این خصوص، برخی، از همکاری میان روان‌شناسان و مراکز پزشکی قانونی به‌عنوان جلوه‌ای از «سیاست جنایی مشارکتی» یاد می‌کند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵، ۱۳۵).

به نظر می‌رسد تحلیل ارائه‌شده درباره حمایت معنوی، به‌ویژه در زمینه بزه‌دیدگان جرایم اقتصادی، کاملاً با اصول نوین عدالت کیفری همسویی دارد. بر مبنای یافته‌های علوم جرم‌شناسی و روان‌شناسی جنایی، تأثیر روانی و حیثیتی جرم، گاه شدیدتر از خسارات مادی آن است. بی‌توجهی به این جنبه، نه تنها می‌تواند روند ترمیم روانی بزه‌دیده را مختل کند، بلکه زمینه‌ساز بزه‌دیدگی ثانویه، انزوا، یا حتی بزه‌کاری معکوس نیز خواهد بود. از این رو، تأکید بر ایجاد

دولت اسلامی محسوب می‌شود (محمدی، ۱۳۹۷، ۸۵).

به نظر نویسنده، تأکید بر قاعده «لاضرر» و سایر مبانی فقهی مرتبط، توانسته است نقش دولت اسلامی در حمایت معنوی از قربانیان جرایم اقتصادی را با رویکردی عالمانه و واقع‌بینانه تبیین کند. تلفیق مبانی نظری فقهی با تجربه زیسته قربانیان، به این نتیجه منتهی شده است که حمایت معنوی نه تنها یک انتخاب اجرایی، بلکه تکلیفی شرعی و قانونی برای دولت است. این دیدگاه، با گسترش مفهوم عدالت از سطح کیفری به عرصه‌های روانی و اجتماعی، زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های جامع‌تری در نظام حقوقی خواهد بود.

۵-۶. آسیب‌شناسی حمایت موجود در ایران نسبت به قربانیان جرایم اقتصادی

در این بخش، به آسیب‌شناسی وضعیت کنونی حمایت از قربانیان جرایم اقتصادی در ایران پرداخته می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظام حمایتی موجود با ناکارآمدی‌هایی جدی مواجه است و هنوز چارچوبی جامع و فراگیر برای پاسخ‌گویی به نیازهای قربانیان، به‌ویژه در بعد معنوی، شکل نگرفته است. در ادامه، به‌طور خاص به ضعف‌ها و خلأهای حقوقی موجود در زمینه حمایت معنوی پرداخته خواهد شد.

۵-۶-۱. ناکارآمدی‌ها و فقدان نظام حمایتی فراگیر

در امتداد آسیب‌شناسی نظام حمایت معنوی در ایران، یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود، فقدان یک نظام جامع، سازمان‌یافته و الزام‌آور در حمایت از بزه‌دیدگان، به‌ویژه در حوزه جرایم اقتصادی است. با وجود آنکه قانون‌گذار در برخی از مواد

زارع‌صفت، ۱۳۹۶، ۱۱۴). از این منظر، حمایت معنوی دولت، نه یک ترجیح اجرایی، بلکه یک تکلیف شرعی و قانونی است. مطابق نظر برخی حتی در جرائمی که مستوجب دیه یا تعزیر منصوص شرعی هستند، نباید گمان برد که جبران صرفاً در پرداخت خسارات مادی خلاصه می‌شود؛ بلکه حمایت از کرامت، بازسازی روانی و احیای اعتماد فرد به جامعه، امری لازم و مکمل عدالت کیفری است. نگاهی آسیب‌شناسانه به تجربه زیسته قربانیان نیز گواه روشنی بر این نیاز است. بزه‌دیدگان جرایم اقتصادی اغلب احساس قربانی شدن در برابر نهادهای بزرگ، نابرابری ساختاری و حتی بی‌عدالتی سیستماتیک دارند. این احساسات، اگر بدون پاسخ مناسب از سوی دولت باقی بماند، ممکن است به بی‌اعتمادی گسترده نسبت به حاکمیت و بازتولید خشونت در سطح جامعه بینجامد. بازسازی هویت فردی و اجتماعی قربانیان تنها در سایه حمایت‌های روانی، فرهنگی و اخلاقی ممکن است و تحقق این مهم، مستلزم حضور مستقیم و متعهدانه نظام حقوقی و حاکمیت در حوزه حمایت معنوی است (زارعی و خزاعی، ۱۳۹۸، ۲۲۱). از دیدگاه فقهی نیز، وظیفه ولی امر منحصر در اجرای حدود یا تعزیرات نیست، بلکه اقامه عدالت در معنای جامع آن، که شامل التیام رنج‌های روانی و اجتماعی مظلومان نیز می‌شود، بر عهده او نهاده شده است. بی‌توجهی به این بعد از عدالت، به‌ویژه در جرایم اقتصادی که با هویت‌زدایی و تحقیر حیثیتی قربانی همراه است، به معنای غفلت از یکی از رسالت‌های اساسی دولت اسلامی است. عدالت در منظومه فقهی، هم عدالت کیفری و هم عدالت اجتماعی را در بر می‌گیرد، و از همین رو، ترمیم کرامت و آرامش روانی بزه‌دیدگان، جزو وظایف

بزه‌دیدگان این جرایم، نشان می‌دهد که در کنار خسارات مادی، آسیب‌های روانی، اجتماعی و حیثیتی گسترده‌ای نیز بر آنان وارد می‌شود که در اغلب موارد، هیچ‌گونه سازوکار جبرانی برای آن‌ها پیش‌بینی نشده است. از منظر جرم‌شناسی نیز، همان‌گونه که در پژوهش‌های تطبیقی آمده است، یکی از ریشه‌های شکل‌گیری جنبش‌های نوین بزه‌دیده‌شناسی در غرب، ناکامی دولت‌ها در جلوگیری از بزه‌کاری، به‌ویژه در دهه‌های اخیر بوده است. «گسن» معتقد است که این ناتوانی سبب شد تا حمایت از بزه‌دیدگان به‌عنوان تنها راهکار باقیمانده برای کاهش آثار بزه‌کاری در دستور کار قرار گیرد (گسن، ۱۳۷۰، ۱۹۷). در همین راستا، برخی از حقوقدانان داخلی نیز تأکید دارند که تأسیس صندوق‌های جبران خسارت بزه‌دیدگان توسط دولت‌ها نه تنها یک اقدام حمایتی، بلکه نوعی پاسخ به قصور دولت در انجام وظایف ذاتی خود است؛ وظایفی نظیر حفظ نظم عمومی، صیانت از جان، مال و حیثیت افراد جامعه. به‌عبارت دیگر، حمایت از بزه‌دیدگان، جبران عقب‌ماندگی دستگاه حاکمه در پیشگیری مؤثر از وقوع جرم تلقی می‌شود (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۲، ۵۳؛ توجهی، ۱۳۷۸، ۳۰).

به نظر نگارنده تحلیل ارائه‌شده در خصوص خلأهای حقوقی در حمایت معنوی از بزه‌دیدگان، به‌ویژه در جرایم اقتصادی، کاملاً مستدل، واقع‌نگرانه و صحیح است. ساختار حقوقی ایران تاکنون بیشتر متکی بر اصول عام و سنتی مسئولیت کیفری و مدنی بوده و هنوز ابزارهای قانونی مؤثر و مشخصی برای جبران آسیب‌های معنوی - از جمله صدمات روانی، بی‌اعتمادی اجتماعی، و فروپاشی شخصیت بزه‌دیده - به رسمیت نشناخته یا نظام‌مند نکرده است. اشاره به

قانون مجازات اسلامی و مقررات پراکنده نظیر آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، در موارد خاص، اصل جبران خسارت توسط دولت را پذیرفته است، با این حال، تاکنون قاعده‌ای عام و نظام‌مند که به‌طور فراگیر پاسخگوی نیازهای بزه‌دیدگان باشد، در نظام حقوقی ایران تأسیس نشده است. بررسی قوانین موضوعه و رویه قضایی موجود دلالت بر آن دارد که مسئولیت دولت در قبال بزه‌دیدگان، امری خلاف اصل تلقی شده و صرفاً در موارد مصرح قانونی، آن‌هم با تفسیر مضیق، پذیرفته می‌شود. این در حالی است که، چنانکه پیش‌تر در بحث فقهی حمایت معنوی اشاره شد، بر اساس قاعده «لاضرر»، هرگونه زیان - اعم از مادی و معنوی - که بدون جبران باقی بماند، مورد نفی شارع قرار گرفته و باید از سوی دولت اسلامی مورد جبران قرار گیرد. از این منظر، فقدان یک قاعده عام در خصوص حمایت دولتی، مغایر با موازین شرعی و عدالت اجتماعی است. شایان ذکر است که در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در بند «د» ماده ۱۳۰، قوه قضائیه مکلف شده بود که لایحه‌ای تحت عنوان «حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی» تدوین و جهت تصویب به مراجع ذی‌صلاح ارائه نماید؛ لایحه‌ای که متأسفانه با وجود گذشت قریب به دو دهه از زمان تصویب قانون، هنوز مراحل اجرایی خود را طی نکرده است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۰، ۱۶۸).

۵-۶-۲. خلاهای حقوقی در حمایت معنوی

افزون بر کاستی‌های موجود در حمایت‌های مالی و ساختاری، یکی از خلأهای عمده و کمتر توجه‌شده در نظام حقوقی ایران، فقدان پویایی حقوقی در حوزه حمایت معنوی از بزه‌دیدگان، به‌ویژه در جرایم اقتصادی است. تجربه زیسته

۵-۷-۱. مبانی فقهی مرتبط با حمایت: قواعد ضمان آور

در راستای تبیین پشتوانه‌های فقهی حمایت معنوی دولت از قربانیان جرایم اقتصادی، رجوع به برخی از قواعد فقهی ضمان آور ضروری است. این قواعد که در ابواب دیات و حقوق عمومی مطرح شده‌اند، ظرفیت آن را دارند که مبنایی برای الزام دولت اسلامی به جبران خسارات - از جمله خسارات معنوی - قرار گیرند. سه قاعده مهم در این زمینه عبارتند از:

الف) قاعده «لا یبطل دم امری مسلم»

این قاعده یکی از مهم‌ترین مبانی باب دیات به شمار می‌رود. مضمون آن آن است که خون هیچ مسلمانی نباید هدر رود و در صورت کشته شدن فرد محقون‌الدم، حتی اگر قاتل شناسایی نشود یا دسترسی به او میسر نباشد، پرداخت دیه از بیت‌المال بر امام واجب است (عاملی، ۱۴۱۶، ج ۳۰، ۱۳۹). در روایات متعددی از جمله صحیح ابن‌نصیر، چنین آمده است که در مواردی که قاتل مالی نداشته باشد و عاقله‌ای هم نباشد، امام دیه را از بیت‌المال می‌پردازد تا خون مسلمان ضایع نشود (همان، ۳۹۵). با توجه به اینکه این روایات، حکم جزئی را با تعلیل کلی بیان کرده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که دایره شمول این قاعده تنها منحصر به قتل نبوده و هرگونه آسیبی که منجر به هدر رفت کرامت، حقوق یا آرامش روانی مؤمنان گردد، مشمول ضمان دولت خواهد بود. از همین رو، اگر بزه‌دیده‌ای از جرایم اقتصادی دچار آسیب حیثیتی یا روانی شود و بزه‌کار امکان جبران نداشته باشد، استناد به این قاعده می‌تواند مسئولیت دولت را اثبات کند (خویی، ۱۳۹۶، ج ۲، ۱۲۹).

تجربه‌های تطبیقی مانند دیدگاه «گسن» و نظریه قصور دولت در حمایت از بزه‌دیدگان، نشان می‌دهد که حمایت معنوی صرفاً یک اقدام اخلاقی یا بشردوستانه نیست، بلکه از منظر حقوق عمومی، نوعی جبران قصور دولت در تأمین امنیت شهروندان به شمار می‌رود. این برداشت، جایگاه جدیدی برای حمایت‌های غیرمادی در نظم حقوقی ایجاد می‌کند که متأسفانه در قوانین ایران هنوز به صورت صریح و نهادینه بازتاب نیافته است. در نتیجه، نبود سازوکارهای قانونی مستقل برای جبران خسارات حیثیتی و روانی، و نیز فقدان نهادهای حرفه‌ای و متخصص در حوزه حمایت معنوی، از جدی‌ترین خلأهای موجود در نظام حقوقی کشور به شمار می‌رود. این کاستی‌ها نه تنها ترمیم روانی بزه‌دیدگان را به تعویق می‌اندازد، بلکه ممکن است به چرخه بازتولید جرم از طریق تضعیف حس عدالت و امنیت منتهی شود. از این‌رو، گنجاندن قواعد صریح برای حمایت معنوی و روانی در قانون آیین دادرسی کیفری، تأسیس نهادهای مستقل پشتیبانی، و ایجاد صندوق‌های جبران معنوی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در اصلاح سیاست جنایی ایران است.

۵-۷. رویکرد فقهی به حمایت معنوی دولت از قربانیان جرایم اقتصادی

در این بخش، رویکرد فقهی به حمایت معنوی دولت از قربانیان جرایم اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ قواعد فقهی متعدد، به‌ویژه قواعد ضمان آور، بر لزوم رفع ظلم، جبران خسارت و حمایت از افراد آسیب‌دیده تأکید دارند. از جمله این‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

ب) قاعده «لا یبطل حق امری مسلم»

بر مبنای این قاعده نیز هیچ حق مشروعی از مسلمانان نباید بدون جبران باقی بماند. در صحیحہ ابی عبیدہ، امام باقر (ع) در مورد نابینایی که چشم فرد بینا را از حدقه درآورده، می‌فرماید: اگر نابینا مالی نداشته باشد، امام باید دیه را از بیت‌المال پرداخت کند، چراکه «حق مسلمان باطل نمی‌شود» (عاملی، ۱۴۱۶، ج ۳۰، ۸۸۹). فارغ از اختلاف نظر فقها در مورد تعمیم این قاعده به همه موارد، اصل قاعده بر ضرورت جبران خسارت از سوی حکومت در مواردی که مرتکب فاقد توان مالی است، دلالت دارد. اگرچه برخی معتقدند نمی‌توان با استناد به این قاعده، دامنه مسئولیت دولت را به جرایمی مانند کلاهبرداری یا سرقت تسری داد، اما در حوزه جرایم اقتصادی که عمدتاً با خلأ نظارتی و فساد سیستمی گره خورده‌اند، مسئولیت دولت محل تأمل است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۰، ۱۷۴).

به نظر نگارنده استناد به قاعده فقهی «لا یبطل حق امری مسلم» در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان، به‌ویژه در جرایم اقتصادی، از منظر حقوق اسلامی کاملاً قابل دفاع و از پشتوانه فقهی معتبر برخوردار است. این قاعده، اصل بنیادینی را بیان می‌کند که بر اساس آن، هیچ‌گونه حق مشروع و مسلمی نباید بدون جبران یا پاسخ قانونی باقی بماند، حتی اگر مرتکب جرم توان مالی برای پرداخت خسارت را نداشته باشد. از منظر حقوق عمومی، این قاعده زمینه‌ای فراهم می‌سازد تا دولت به عنوان ضامن نهایی عدالت اجتماعی و حافظ حقوق ملت، در مواردی که مرتکب توانایی جبران ندارد یا اصلاً شناسایی نمی‌شود، وارد عمل شود. هرچند در فقه کلاسیک، مصادیق این قاعده بیشتر به جنایات بدنی مانند دیه محدود شده‌اند،

اما در شرایط امروز و با توجه به پیچیدگی جرایم اقتصادی و نقش ساختارهای دولتی در بروز یا تسهیل آن‌ها، تعمیم این قاعده به حوزه مسئولیت اجتماعی دولت توجیه‌پذیر است. در نتیجه، اگرچه برخی فقها در تعمیم این قاعده به جرایمی چون کلاهبرداری یا سرقت محتاط‌اند، اما با توجه به بُعد ساختاری جرایم اقتصادی، که اغلب در بستر ضعف نظارت، فساد نهادی یا خلأهای قانونی شکل می‌گیرند، استناد به این قاعده برای الزام دولت به جبران خسارت معنوی یا مادی بزه‌دیدگان، نه‌تنها ممکن، بلکه ضروری است. از این منظر، قاعده «لا یبطل حق امری مسلم» می‌تواند مبنای فقهی محکمی برای توجیه تأسیس صندوق‌های حمایتی از بزه‌دیدگان جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران باشد.

پ) قاعده «مَن له الغنم فعلیه الغرم»

این قاعده که با تعابیر دیگری چون «الخراج بالضمنان» یا «التلازم بین النماء و الدَّرک» نیز آمده، دلالت بر آن دارد که هر کس از چیزی منتفع شود، باید زیان‌های ناشی از آن را نیز بپذیرد. این اصل به نوعی تأکید بر مسئولیت در قبال منافع به‌دست‌آمده دارد. اما باید توجه داشت که قاعده مذکور از قواعد اصطیادی و نه تنصیصی است و نمی‌توان بدون قرینه معتبر آن را به موارد کلی چون ضمان دولت در قبال همه خسارات وارد بر شهروندان تعمیم داد (همان، ۱۷۴).

ت) قاعده لاضرر

یکی از مهمترین قواعد فقهی که در بحث مسئولیت مدنی دولت قابل استناد است. قاعده لاضرر می‌باشد. این قاعده که برگرفته از حدیث معروف نبوی لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام است به معنای نفی هر گونه ضرر و زیان ناحق در اسلام

با مشکلات جدی مواجه می‌سازد. در صورتی که تکلیفی منجر به چنین سختی یا فشاری شود، می‌توان با استناد به قاعده «نفی عسر و حرج»، آن تکلیف را از فرد برداشته و او را از انجام آن معاف کرد. این قاعده به ویژه در مواردی که تکالیف ناشی از وقوع جرم یا ظلم اقتصادی به افراد فشار وارد می‌کند، می‌تواند مبنای قانونی برای جبران ضرر و حمایت از بزه‌دیدگان باشد. در چنین شرایطی، دولت می‌تواند مسئولیت جبران خسارات ناشی از این سختی‌ها را بر عهده بگیرد، به ویژه زمانی که عدم انجام این تکالیف منجر به اختلال در نظام اجتماعی و اقتصادی می‌شود (فاضل‌مهر، ۱۳۹۶، ۲).

قاعده فقهی «نفی عسر و حرج» یکی از اصول کلیدی در فقه امامیه و نیز حقوق اسلامی است که نه تنها در فقه عبادی و شخصی، بلکه در حوزه روابط اجتماعی، اقتصادی و به‌ویژه در قلمرو حقوق عمومی نیز قابلیت استناد دارد. در زمینه جرایم اقتصادی، استناد به این قاعده برای توجیه مداخله حمایتی دولت در قبال بزه‌دیدگان، مبنای فقهی و عقلانی موجهی دارد. به نظر نگارنده با توجه به اینکه بسیاری از قربانیان جرایم اقتصادی، به‌واسطه تخلف‌های مالی گسترده، وارد شرایطی می‌شوند که نه تنها توان اقتصادی، بلکه سلامت روانی و جایگاه اجتماعی آنان به شدت آسیب می‌بیند، می‌توان وضعیت آنان را مشمول تعریف «حرج» دانست؛ یعنی فشار سنگین، غیرمترعارف و برهم‌زننده تعادل زندگی فردی و اجتماعی. بنابراین، بر اساس قاعده نفی عسر و حرج، بی‌توجهی دولت به چنین وضعیت‌هایی و عدم پیش‌بینی سازوکار حمایتی مؤثر، خود نوعی استمرار تکلیف غیرقابل تحمل بر بزه‌دیده محسوب می‌شود. از این منظر، دولت نه تنها مجاز، بلکه

می‌باید. بر اساس این قاعده، هیچ کس نباید به دیگران ضرر وارد کند و اگر چنین ضرری واقع شود متضرر حق دارد جبران خسارت خود را طلب کند. در زمینه مسئولیت دولت این قاعده جایگاه ویژه‌ای دارد چرا که دولت مسئولیت حفاظت از حقوق شهروندان و جلوگیری از ایجاد ضرر به آنها را بر عهده دارد. در مورد دامنه شمول لاضرر بر اعمال دولت و مسئول دانستن آن میتوان گفت که اطلاق لاضرر در ضمان دولت گاهی اوقات در عرصه عمل ممکن است موجب به وجود آمدن ضرر مهمتری بشود که به اختلال در اداره امور از سوی دولت بیانجامد. در این صورت باید اقل‌الضررین را انتخاب نمود و به تحدید و تقیید لاضرر به وسیله خود لاضرر قائل شد

ث) قاعده نفی عسر و حرج

قاعده «نفی عسر و حرج» یکی دیگر از اصول فقهی است که در بحث جبران خسارت و مسئولیت دولت در قبال بزه‌دیدگان جرایم اقتصادی قابل استناد است. در زبان عربی، «عسر» به معنای سختی و دشواری و «حرج» به معنای تنگنا و فشار است. در اصطلاح فقهی، این قاعده به وضعیتی اشاره دارد که انجام یک عمل یا تکلیف باعث ایجاد مشقت غیرمعقول و ناتوان‌کننده برای فرد می‌شود. براساس این قاعده، اگر تکلیفی برای شخص دشوار و غیرقابل تحمل باشد، آن تکلیف از او ساقط می‌شود. در این زمینه، بسیاری از فقهاء معتقدند که «عسر» به معنای هر نوع سختی و دشواری است، در حالی که «حرج» به وضوح به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد را در فشار شدید و غیرقابل تحمل قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، «عسر» یک مفهوم عام‌تر است و شامل هر نوع سختی می‌شود، اما «حرج» به ویژه به وضعیتی اشاره دارد که زندگی فرد را

ایستادگی کند و از افراد آسیب‌دیده حمایت نماید. این حمایت، علاوه بر جنبه‌های مادی، باید به‌صورت معنوی و روانی نیز انجام شود. به‌ویژه در جرایم اقتصادی که ممکن است افراد قربانی احساس ناامیدی و سرخوردگی کنند، دولت باید با برنامه‌های حمایتی، مشاوره‌های دینی و اجتماعی، و ارائه تسهیلات روان‌شناختی، به بازسازی روحیه قربانیان بپردازد. قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: به درستی که خداوند بر ما منت نهاد؛ هر کس پرهیزکاری و شکیبایی کند، خدا پاداش نیکوکاران را تبه نخواهد کرد. (یوسف: ۹) این آیه تأکید می‌کند که دولت باید به آسیب‌دیدگان از جرایم اقتصادی کمک‌های معنوی کند و شرایطی را فراهم آورد که آنان بتوانند با صبر و تقوا، از این بحران‌ها عبور کنند.

ب) حمایت سلبی از قربانیان جرایم اقتصادی

حمایت سلبی یا قضائی از قربانیان جرایم اقتصادی به‌این معناست که دولت اسلامی باید با تکیه بر قوانین شرعی و حقوقی، حقوق فردی قربانیان را احقاق کند و از تکرار ظلم و فساد در جامعه جلوگیری نماید. در مواردی که ظلم یا تعدی به قربانیان جرایم اقتصادی واقع شده، دولت باید به‌طور جدی با متهمان برخورد کند و در راستای اجرای عدالت، حقوق قربانیان را بازگرداند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: خداوند سخن گفتن را به گفتار زشت دوست ندارد مگر کسی که به او ستم شده است. (نساء: ۱۴۸) این آیه بر این نکته تأکید دارد که هر فردی که مورد ظلم قرار گرفته است، حق دارد تا برای دفاع از حقوق خود اقدام کند و در این راستا،

ملزم به مداخله حمایتی است؛ به‌ویژه از آن جهت که بخشی از عوامل بزه‌دیدگی در جرایم اقتصادی، نظیر ضعف نظارت، بی‌ثباتی اقتصادی، یا ساختارهای معیوب اداری، به کارکرد نظام حکمرانی مرتبط است. بنابراین، این قاعده می‌تواند مبنای فقهی برای تأسیس نهادهای جبران خسارت، مشاوره‌های روانی، و حتی پرداخت‌های حمایتی به بزه‌دیدگان باشد. در نهایت، نفی عسر و حرج نه‌تنها مجوزی برای برداشتن تکلیف از فرد آسیب‌دیده است، بلکه دلیلی بر لزوم دخالت دولت برای بازگرداندن عدالت اجتماعی و کاهش تبعات جرم نیز تلقی می‌شود. این تفسیر، می‌تواند زمینه‌ساز تحول در نظام سیاست‌گذاری حمایتی در قبال قربانیان جرایم اقتصادی در ایران باشد.

۵-۷-۲. حمایت معنوی دولت از قربانیان جرایم اقتصادی در فقه اسلامی

در نظام اسلامی، حمایت از قربانیان جرم به‌ویژه در زمینه جرایم اقتصادی، از ابعاد مختلفی برخوردار است. این حمایت‌ها نه‌تنها از طریق اقدامات حقوقی و قضائی، بلکه از منظر معنوی و روحی نیز در فقه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. در این راستا، دولت اسلامی به عنوان یک نهاد حکومتی مسئول است تا در کنار جبران خسارات مادی، از قربانیان جرایم اقتصادی حمایت‌های مختلفی داشته باشد که عبارتند از:

الف) حمایت معنوی در قالب امدادهای اجتماعی و روانی

حمایت امدادی به معنای کمک‌رسانی به قربانیان برای جبران آنچه از دست داده‌اند، در چارچوب مسئولیت‌های اجتماعی دولت قرار دارد. در فقه اسلامی، دولت موظف است در برابر ظلم‌ها

وارد شود. در قرآن کریم، در خصوص گذشت از حق قصاص آمده است: هر کس از آن (قصاص) گذشت، این عمل برای او کفاره‌ای خواهد بود. (مائده: ۴۵)

۶. نتیجه

با توجه به تحلیل‌های صورت‌گرفته در این تحقیق، نقش دولت در حمایت معنوی از قربانیان جرایم اقتصادی در چارچوب رویکرد فقهی و حقوقی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نظام اسلامی، این حمایت‌ها تنها به جبران خسارات مادی محدود نمی‌شود، بلکه دولت مکلف است با استفاده از تدابیر معنوی و روحی، بازسازی اعتماد و آرامش قربانیان را در دستور کار قرار دهد. آموزه‌های فقه اسلامی تصریح دارند که عدالت اجتماعی زمانی محقق می‌شود که حمایت از قربانیان به‌ویژه در ابعاد روانی و معنوی به‌طور جامع و مؤثر فراهم گردد. در خصوص تعریف جرایم اقتصادی، با وجود تنوع رویکردها در حقوق داخلی و بین‌المللی، اجماع فقهی و حقوقی بر این است که جرایم اقتصادی شامل مصادیقی مانند جرایم یقه‌سفید، جرایم سازمان‌یافته اقتصادی و فعالیت‌هایی است که با انگیزه‌های مادی و غیرمشروع به اقتصاد ملی و اعتماد عمومی آسیب می‌زنند. با این حال، به دلیل پیچیدگی و ظهور جرایم نوظهور در دنیای امروز، ارائه یک تعریف جامع و همه‌جانبه همچنان چالش‌برانگیز است و به‌روزرسانی مداوم قوانین داخلی و بین‌المللی ضرورت دارد. وضعیت فعلی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در خصوص حمایت از قربانیان جرایم اقتصادی به وضوح نشان‌دهنده برخی کاستی‌ها و ناکارآمدی‌ها در حمایت معنوی است. از این رو، لازم است که دولت با تکیه بر مبانی فقهی و اصول حقوقی، سیاست‌های

دولت موظف است حمایت قضائی لازم را از او به‌عمل آورد.

پ) حمایت حکمی و تقویت ایمان به عدالت

حمایت حکمی در فقه اسلامی به معنای اطمینان به حمایت قانون است که دولت اسلامی باید به آن توجه داشته باشد. در جرایم اقتصادی، قربانیان باید اطمینان داشته باشند که سیستم قضائی و حکومتی در کنار آن‌ها خواهد بود و حقوقشان را احقاق خواهد کرد. دولت اسلامی باید با تقویت ایمان عمومی به نظام قانونی، از به‌وجود آمدن بحران‌های روحی و روانی در قربانیان جلوگیری کند و آنان را به اعتماد به نظام عدالت‌محور تشویق نماید. قرآن کریم در این زمینه از شجاعت و مقاومت انسانی در برابر ظلم سخن می‌گوید: هابیل به قابیل گفت: اگر دست فراسوی من آری که مرا بکشی، من دستم را برای کشتن تو دراز نخواهم کرد. همانا من از خداوند پروردگار جهانیان می‌ترسم. (مائده: ۲۹-۲۸) این آیه نشان می‌دهد که در نظام اسلامی، ایمان به عدالت الهی می‌تواند موجب پرهیز از ظلم و تقویت مقاومت در برابر ستم باشد.

ت) حمایت معاوضی و گذشت از حق برای تقویت جامعه

حمایت معاوضی در فقه اسلامی به این معناست که در برخی موارد، قربانیان جرم ممکن است از حق خود صرف‌نظر کنند و به‌جای مجازات مجرم، از عفو و گذشت بهره‌گیرند. این نوع حمایت در نظام اسلامی نه تنها به نفع قربانیان است، بلکه می‌تواند باعث کاهش تنش‌ها و بهبود روابط اجتماعی شود. به‌ویژه در جرایم اقتصادی، ممکن است برخی قربانیان از حق خود بگذرند تا آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی کمتری به جامعه

منابع

- حمایتی جامع و به‌روز را طراحی و اجرایی کند. این امر می‌تواند عدالت اجتماعی را به‌طور کامل محقق کرده و موجبات جبران آسیب‌های روحی و روانی قربانیان را فراهم آورد. در نهایت، به‌منظور تحقق عدالت پایدار در جامعه، ضروری است که دولت در کنار اقدامات مجازات‌گرایانه، با اتخاذ تدابیر جامع و مؤثر در حمایت معنوی و روانی از قربانیان، گام‌های مؤثری در جهت ارتقای عدالت اجتماعی بردارد. این رویکرد، هم‌راستا با موازین فقهی و حقوقی، نه‌تنها به تقویت نظم اجتماعی خواهد انجامید بلکه زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای با اعتماد و همبستگی بیشتر نیز خواهد شد.
- ۷. سهم نویسندگان**
در انجام تحقیق حاضر، تمامی نویسندگان به‌طور یکسان مشارکت داشته‌اند.
- ۸. تضاد منافع**
نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.
- قرآن کریم
- انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، دو جلدی، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۲.
- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، علی حسین نجفی ابرند آبادی، اول، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
- توجهی، عبدالعلی، «سیاست جنایی حمایت از بزه دیدگان»، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۸.
- حاجی ده آبادی، احمد، «جبران دولتی خسارت بزه‌دیده و سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، از هستها و نیستها تا «بایدها و نبایدها». مطالعات حقوق خصوصی، ۱۳۹۰.
- خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، جلد ۲، دوم، قم، ۱۳۹۶ قمری.
- رایجیان اصلی، مهرداد. «جایگاه بزه دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره سیزدهم، ۱۳۸۷.
- رایجیان اصلی، مهرداد، «بزه دیدگان حقوق و حمایت‌های بایسته»، پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۸۵.
- زارعی، حمید؛ خزاعی، فاطمه، «تحلیل فقهی-حقوقی حمایت از بزه‌دیدگان در فرآیند عدالت کیفری»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۵، شماره ۴، ۱۳۹۸.

- زراعت، عباس، حقوق کیفری اقتصادی، انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۹۱.
- زکی، حسین زیدان، حق المجنی علیه فی التعویض عن ضرر النفس، اول اسکندریه: دارالکفر الجامعی، ۲۰۰۴
- زمانی، علی اکبر، «درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی»، مجله کارگاه، سال دوم، ۱۳۸۸.
- سراس، اسامه، شریعه حموربی، جلد ۲، دمشق: دار علاء الدین، ۱۹۹۳.
- عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، جلد ۳۰، سوم، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۶.
- عبدالفتاح، عزت، «سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه دیده»، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی و سوسن خطاطان مجده قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۳، ۱۳۹۹.
- عثماوی، سعد الدین محمد، «مروری بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی»، ترجمه: محمدرضا نصرالهی و سید عیسی حسینی، انتشارات کارآگاه، ۱۳۸۶.
- گیلوری، محمد امین، بایسته‌های حمایت از بزه دیدگان جرایم اقتصادی، هورین، ۱۴۰۲
- لیز زرار و فیلیزولا، زینا، بزه‌دیده و بزه دیده شناسی، روح الله کرد علیوند و احمد محمدی، انتشارات مجد، ۱۳۷۹.
- والتری، میکا، سینوهه پزشک مخصوص فرعون، جلد ۲، ذبیح‌الله منصوری، چهل و دوم، تهران، زرین، ۱۳۸۲.
- ولیدی، محمد صالح، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۶.

